بسم الله الرحمن الرحیم

درس خارج فقه 1/2/1393

خوب آن حسن بن موسی حنّاط یا خیّاط را آقایون دیدن ندیدن ؟ چیکار کردن؟حالا بحث را گسترده تر دنبال کنید آن این است که ،یعنی سوال این است که شیخ احمد بن محمدبن ابی نصر ، حسن بن موسی است یا حسین بن موسی و هرکدام از اینها باشند این حنّاط است یا خیّاط است و آیا این ثقه هست یا ثقه نیست؟ووجه این کلمات چی هست یک مقداری مرتب تر بحث را مطرح بکنید بد نیست ، حالا من اصل بحث را اینجا چیز میکنم بقیه اش را دوستان ادامه بدهند،ببینید یک کسی را به نام حسین بن موسی بن سالم الحنّاط ابوعبدالله مولی بنی اسد ثمّ بنی والبه در نجاشی ترجمه شده است و فرموده **روی عن ابی عبدالله علیه السلام و عن ابیه عن ابی عبدالله علیه السلام و عن ابی حمزه و عن معمربن یحیی و برید وابی ایّوب و محمد بن مسلم و طبقتهم له کتابٌ** بعد که کتاب را ازطریق ابی عمیر عن الحسین نقل میکند ،از یک طرف دیگه احمد بن محمد بن ابی نصر روایاتی دارد بعضی جاهاش با تعبیر حسن بن موسی است بعضی جاهاش با تعبیر حسین بن موسی است ،صحبت سر این بود که این حسن بن موسی و حسین بن موسی یکی هستند ؟ و اگر یکی هستند با همان شخصی که نجاشی ترجمه کرده یکسان است ،خوب حالا اگر یکسان بودن در عبارت نجاشی حسین تصحیف حسن است و همچنین در بعضی از اسنادی که حسین واقع است یا در جاههایی که حسن واقع است آن حسن تصحیف حسین است این موارد را به اصطلاح استدلالش را روشنتر ،همینجوری نتیجه گیری کلی نکنید ،حالا این را دوستان مراجعه کنند فردا در مورد ش صحبت میکنیم ،من این را کامل نوشتم در بعضی از یادداشتهام هست ولی میخواهم رفقا کار کنند.

خوب بحث ما سر این بود که آیا نحوهء ارث اولوا الارحام به چه شکل است ،ما عرضمون این بود که از آیات و روایات استفاده میشود که اولوا الارحامی که فرض بر نیستند ودر طبقه و درجه فرض برها هم قرار ندارند ارثشان به این نحو است که قائم مقام واسطه هاشون تا معصوم قرار گرفته میشود و کأنّ فرض میشود که آنها اگر از دنیا رفته بودند چگونه ارث به این اولی الارحام میرسید الان هم همانطور تقسیم میکنیم ، یعنی فقها این جور میگن مثلاً پسر عمو را که ارثش را میخواهند تقسیم کنند اینجوری در نظر میگیرند ،میگن پسر عمو ، پسر عمو است ، عمو هم برادر پدر است ، خوب پدرفرض بر است یا در درجه فرض بر است ،خوب سهم پدر که تعیین شد ،این سهم پدر وقتی قرار است به برادرش داده بشود طبق قانون ارث برادر داده میشود به عمو بعد ارث برادر هم که به عمو داده شد آنهم سهمیه ای که به عمو رسید طبق قانون ارثی که به فرزند داده میشود به فرزندان آنها داده میشود ، این قانونی هست که فقها در نحوه تقسیم بندی ارث دارند که مهمترین قانون در باب ارث است شاید که به این نحو تقسیم میشود ، خوب بحث سر این بود که این قانون دلیلش چیست؟وجه فنی این قانون چیست ؟ به خصوص مرحوم آقای خویی برخی از فروع این قانون را قبول ندارد وفتوی بر خلاف این داده است ، اگر این قانون به اصطلاح قانون باشد ،مطلبی که از آنجا وارد آن قانون شدیم آنهم به راحتی اثبات میشود ، آن این است که فرزند دختر ارثی که نصیب مادرشان را که بین خودشان میخواهند تقسیم کنند به نحو لذکر مثل حظ الانثیین تقسیم میکنند مثلاً فرض کنید یک میتی از دنیا رفته است اصلاً یک دختر بیشتر ندارد این دختر هم از دنیا رفته نوه دارد ، بحث این است که تمام ارث که میرسد به این دختر و از دختر به نوه ها میخواهد تقسیم بشود این نوه ها ارث را مساوی تقسیم میکنند یا لذکر مثل حظ الانثیین تقسیم میکنند،این بر پایهء همین قانون اگر تثبیت بشود معناش این است که کأنّ کل این به مادر منتقل شده که دختر میّت باشد ،خوب کسی که مادرش از دنیا رفته باشد فرزندانی که میخواهند ارث مادر را ببرند داخل در آیه **یوصیکم الله فی اولادکم ،فلذکر مثل حظّ الانثیین** میشوند وارثشان به نحو تفاضل تقسیم میشود ، خوب ما میگفتیم که یک تقریب بدوی وجود دارد آن این که بگیم از آیه منزلت از **اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض** و تنزیل نوه پسری به جای پسر میت و نوه دختری به جای دختر میت استفاده میشود که نحوهء تقسیمشان به نحو طبقات ارثی هست ،همین جوری ما بگیم که ظاهر این روایات و آیات به این شکل هست ،خوب این تقریب چون لمّ قضیه بیان نشده است ، ممکن است شخصی بگه که دلیل این تقریب چیست و وجهش چیست؟ ما در تلاش این بودیم که میخواهیم همین استظهار را بکنیم ولی این استظهار را برش در واقع وجه ذکر کنیم ، این وجهایی که ذکر میکنیم به یک معنا تعمیق همان مطلبی هست که چه بسا فقها به نحو ارتکاز از همین آیه الوا الارحام یا ادله منزلت و امثال آنها فهمیده باشد ، به چند گونه میتوانیم این را بیان کنیم که حالا گونه هاش را عرض میکنم شاید تلفیق بعضی از این گونه ها همدیگر را بتوانند تأیید کنند و یک وجه ملفّقی بعضی از این گونه ها با همدیگر یک مقداری مطلب را تقویت کند،وجه های مختلفی که میخواهیم بگیم این وجه ها بیشتر شان را میتوانیم از باب اطلاق مقامی بدانیم یا شاید هم همشان را .

وجه اول این بود که اصلاً روایاتی ما داریم گفته مثلاً فرزند دختر به منزله دختر است یا اولوا الارحام به منزله آن واسطه هستند ،خوب به منزله واسطه بودن از این معنا که همچنان از آن واسطه ارث میبرد ،اگر آن واسطه زنده بود ارث میبرد این هم ارث میبرد و مقدارش هم همان مقداری هست که آن واسطه است در این جهاتش خوب بحثی نیست و فعلاً این را مفروق ٌ عنه گرفتیم ، بحث این است که اینی که بمنزله آن هست اگر اینها خودشان متعدد بودند ،مذکر و مؤنث و امثال اینها داشتن، آیا نحوهء ارث بریشان از آن واسطه به این نحو هست که کأنّ اگر آن واسطه از دنیا رفته بود میخواستیم ارثش را تقسیم کنیم به این وارث مرحله بعدی چه جوری تقسیم میکردیم حالا هم به همان نحو تقسیم میکنیم یا به این شکل نیست ، ما میگفتیم که ببینید ارث اصلاً تنزیل وارث به منزله میّت هست ، یک نوع تنزیل است اصل ارث در تفکر عقلایی ، یعنی وارث قائم مقام موروث هست ، جانشین موروث هست ، یک کسی از دنیا رفته یک کسی جای او قرار میگیرد که معنای اولی به میّت بودن هم همین است ، یعنی این وارث جای او هست ،به جای او هست ، خوب این را داشته باشید، حالا اگر گفتن که وارث با واسطه هم به جای آن واسطه هست ، ما میخواهیم بگیم اینکه وارث با واسطه را به جای او قرار دادند به منزله او قرار دادند، این ظهور عرفیش این است که همچنانی که آن وارث به جای میت بود این هم به جای او قرار دارد ، یعنی آن نحوهء تقسیم ارثی که در شرع تعیین کنندهء نحوهء جایگزینی آن واسطه نسبت به میت بود آن نحوه را هم نسبت به این وارث با واسطه باید اعمال کنید ،خوب این یک تقریب بود . یک تقرب دیگه که در واقع یک نوع اطلاق مقامی هست که توضیحاتش در جلسه قبل اشاره شد و نمونه های بحث اطلاق مقامی بطور کلی گفته شد،حالا من اصل تقریب را میگم بعد یک توضیحات کلی تر اینها دارد بعداً عرض میکنم.

یک تقریب دیگه این است که ببینید در آیه شریفه گفته که **اولوالارحام بعضهم اولی ببعضٍ فی کتاب الله** ، یک موقعی این اولوا الارحام بعضهم اولی ببعضٍ را اینجوری میخواهیم معنا کنیم که میخواهد بگه خویشاوند ارث میبرد ، اصلاً هیچ به نحوه ارث بردن خویشاوند ناظر نیست ، میگه خویشاوند ارث میبرد حالا چه جوری ارث میبرد چه جوری ارث نمیبرد این را نمیخواهد بیان کند ، خوب صحبت این است که بالاخره این که گفته بشود خویشاوند ارث میبرد هیچ تعیین نشود نحوه ارث بریش این که خوب لغو است چه فایده ای دارد ، بالاخره ولو با ادله منفصل باید نحوهء ارث بری این اولوا الارحام تعیین بشود، پس بنابراین این باید به یک نحوی نحوهء ارث بری اولوا الارحام بیان شده باشد ، خوب یک جور ممکن است که بگیم این آیه در مقام این است که همه اولوا الارحام در عرض واحد ارث میبرند، یعنی یک کسی اگر ده تا خویشاوند داشته باشد ،این خویشاوندها در یک طبقه باشند در دو طبقه باشند اقرب باشد ابعد باشد هر چی باشد همشان در عرض هم هستند ، میگیم هیچ گونه نزدیکی و دوری را این هم ملاحظه نکرده است ، که خوب این هم از آیه اولوا الارحام این جور استفاده نمیشود ، هم از روایاتی که خواندیم ازآن استفاده میشود که اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض به نحو الاولی فالاولی است ، الاقرب فالاقرب است ، که خوب روایتش را دیروز خواندیم ،حالا چه روایاتی که مستقیماً تفسیر ، خوب این هم بعد از اینکه آیه اولوا الارحام را ، عرض کردم هم ذاتاً ازش استفاده میشود با یک بیان اطلاق مقامیی که قبلاً گذشت و هم از جهت روایات دیگه مطلب صاف هست که الاقرب فالاقرب است هم از کلمات فقها هم ادعای اجماع های مکرر است ، من دیگه این را نیاوردم اگه یادم باشد فردا آن عبارتهای فقهایی که این مطلب را آوردن که میگن اولوا الارحام به نحو الاقرب فالاقرب هستند،بعد از اینکه این مطلب ثابت شد که به نحو الاقرب فالاقرب هست فخوب خالا نحوه ارث بری هر طبقه را چه جوری هست، یک مطلب این است که همه در عرض هم نیستند، أقرب مانع ابعد است ،خوب بحث این است که اگر یک عده ای بودن که أقرب نبودن نسبت به هم در عرض هم بودند یا نسبتشان به میّت مساوی بود ، اینها نسبت به همدیگر چگونه ارث میبرند ،آیا اینها هم کأنّ مساوی باید در نظر گرفته بشود ، غیر مساوی در نظر گرفته بشود ، این چگونه است؟ بحث این است که در واقع ما میخواهیم بگیم بعد از فرض این که آیات اولوالارحام به نحو الاقرب فالاقرب است و اینها همشان در عرض هم نیستند و ملاحضه قرب و بعد به میّت میشود در واقع معنای ملاحظه قرب و بعد این است که فرض کنید پسر عمو را که میخواهیم در نظر بگیریم ، پسر عمو در واقع آن خویشاوند پدرش است که عمو است و عمو خویشاوند پدر میت است ،و پدر میّت خویشاوند میت است ، یعنی در واقع خویشاوندان دور ، خویشاوند خویشاوند خویشاوند هستند، این معنای اینکه نظام نسبی را شما در نظر بگیرید یعنی اینکه خویشاوندی را درجهء قرب و بعدش را در نظر بگیرید معناش این هست که شما هرکسی که ابتدائاً ، اصلاً تحلیلی که باعث میشد که خویشاوند نزدیک ،خویشاوند دور را مانعش باشد این بود که در واقع خویشاوند نزدیک ، اگر گفتن خویشاوند ارث میبرد ذکر نکردند که آیا خویشاوند نزدیک ارث میبرد یا خویشاوند دور ،چون خویشاوند دور خویشاوند باواسطه است ، خویشاوند خویشاوند است ، اگر گفتند اولویت دارد ،یعنی در مرحله اول آن خویشاوند میّت ، مرحله بعد اگر آن خویشاوند نبود خویشاوند دیگه ، توضیحاتی که قبلاً مفصل گذشت،(نه صاحب یک مقدار ارث ، نه همچین چیزی فرض نکرده است نه اصلاً نگفته یک جور ارث میبرند، آن فرض این هست که میگه که اینها بر اساس نظام قرب و بعد ارث میبرند ،بحث این است که وقتی اساس را نظام قرب و بعد قرار دادیم ،اگر ذکر نکرده باشند که این افراد دور به چه نحو هستند معناش این است که هر یک را نسبت به آن خویشاوندی که آن واسطه اش است باید سنجیده بشود ،یعنی ببینید شما پسر عمو را یک موقعی میگید پسر عمو خویشاوند است ،به همان نحوه ای پسر عمو خویشاوند است که عمو خویشاوند است ، اگر این باشد معناش این است که از اول باید اینها را مساوی فرض کنیم ، هیچکدام دیگری را منع نکند ،فرض این است که این شکلی نیست ،فرض این است که نظام مند اینها را فرض کرده است ،معنای نظام مند بودن این است که پسر عمو خویشاوندیش به این نحو است ،پسر عمو خویشاوند عموست یعنی فرزند عمو است ،عمو خویشاوند است به این اعتبار که برادر پدر است ، پس پسر عمو یعنی چی ؟پسر عمو یعنی پسر برادر أب میّت ،اگر گفتند که پسر برادر أب میت ارث میبرد در یک جایی ،ذکر نکردند که چه نحوی ارث میبرد ،خود همینی که گفتن پسر برادر أب میّت ،یعنی پسر سهم پدر را میبرد ،پدر سهم آن برادرش را میبرد ،برادر هم که خوب درآیات قرآن سهمش تعیین شده و از فرض برها است ، اگر غیر از این باشد با این ذهنیت که معنای پسر عمو و خویشاوندی پسر عمو یعنی پسر برادر أب میّت ،با این ذهنیت، یک موقعی عرض کردم از اول ما میگیم خویشاوندها را طبقه بندی شده در نظر گرفته نشده است ، یک موقع ببینید داخل کتابخانه هست ،تمام کتابها فلّه ای ریخته شده ، هیچ طبقه بندی نیست ،ولی گاهی اوقات طبقه بندی شده است ،یعنی یک اطاق این شکلی است هر اطاق هم طبقات مختلف دارد هر طبقه هم چیزهای مختلف دارد ، اینها اگر ما در واقع درخت نسب را ما به صورت یک درخت شاخه شاخه تصور میکنیم ، این درخت شاخه شاخه اگر نگفتند که این شاخه های فرعی چه جوری از آن بالا بالا ازآن ریشه اصلی ارث میبرد ، معناش این است که هر شاخه رابطه اش با شاخهء بعدی به همان نحوه ای هست که آن شاخه اصلی اصلیه به اولین گروه دارد ، اینها فرض این است که حالا شما در کجا دارید بحث میکنید ، اگر آن باشد اولی فالاولی نیست ،آن معناش این است که همه آنها مستقیمند ،چرا اقرب هستند منشأش چیست؟ چرا اولی هستند ؟ چون رحم است ، آن رحمی که نزدیکتر است یعنی چی ؟واسطه ندارد یعنی چی؟ یعنی اینکه او فرزند فرزند است یعنی این خویشاوند خویشاوند است ، این مفهوم را درست تصور کنید میفهمید که اینها در واقع اینکه میگیم خویشاوند است ، چون خویشاوند خویشاوند خویشاوند است خویشاوند شده است ،اگر این نباشد معنا ندارد اولویت داشته باشد ،نه مجموعه فرض نمیکند ، مجموعه فله ای فرض نمیکند مجموعه منظم فرض میکند ،نزدیکتر است یعنی چی؟ زودتر میبرد یعنی چی؟ دقت نمیکنید اینها را ، ببینید بحث این است میگه این اولوالارحام بعضیهاشون جنبهء رحمیّتشون قویتر از جنبهء دیگری است ،قویتر است یعنی چی ،یعنی این یکی در طریق او مثلاً واقع است ،یکی سابق است یکی لاحق است ، ببینید سابق و لاحق فرض کرده است ،سابق و لاحق یعنی آن لاحقه نسبش از طریق سابق میرسد ،تصویر قضیه را ببینید ، تصویر درختی است ، یعنی اگر آب قرار است به آن شاخه چیز برسد از طریق شاخه های اصلی برسد، ببینید نگاه نگاه سابق و لاحق است ، قرابات بعضی ها توهم است یعنی این قرابت میاد به آن قرابت تلاقی پیدا میکند او به میّت میرسد ، یک موقع نه به همدیگر کاری ندارند ، میگه آنهایی که به همدیگر هم کاری ندارند هر کدام از اینها از آن شاخه بالائیه میگیرد ، اصلاً خود اولوا الارحام هم همین معنا است ، ما میخواستیم بگیم که اگر ذاتاً از اولی الارحام هم این معنا را نفهمیم ، از روایات این مطلب مسلم است که اولی الارحام به نحو الاقرب فالاقرب فرض شده است، ما الان این را به عنوان یک اصل مفروض داریم دنبال میکنیم که اولوا الارحام به نحو الاقرب فالاقرب هست ،اولوا الارحام وقتی به نحو الاقرب فالاقرب بود بحث این است که این شاخه های فرعی از شاخه های اصلی گرفته میشود ، چقدر از آن شاخه اصلی میگیرد ،ببینید یک شاخهء فرعی داریم نسبت به آن اصلی ، آن اصلی هم نسبت به آن اصلی تر دارد ، گروه اول را تعیین کرده است یعنی آن شاخه اصلی، ببینید یک نهر اصلی شما دارید این نهرسهم بندی میشود ،چند سهم تقسیم میشود به نحو نحوهء اتصال آن سهم اصلی ،آن نهر اصلی با آن زیر نهرها و نهرهای ریزی که داریم ، ما میگیم اگر این نهر فرعی یک نهر فرعی تری داشته باشد اگر نحوه تقسیم فرعی فرعی با آن اصلی نسبت به فرعی فرق داشته باشد باید ذکر بشود ، معنی اطلاق مقامی این است ، یعنی عرفاً اگر این شاخه بندی ها یک گونه دیگری قرار تقسیمات بشود آن تقسیمات باید ذکر بشود، درنحوه اش هم همین است اصل فرع ندارد ،خوب همین است دیگه بحث این است که اگر میت مرد این میت میخواهد تقسیم بشود به دوتا رودخانه تقسیم میشود ،یک رودخانه رودخانه مردهاست یکی هم برای زنها است نسبت به آب، شما ارث را در نظر بگیرید به عنوان یک رودخانه ای که سهم الارث میخواهد تقسیم بشود، حق آبه ها، این حق آبه ای که در آنجا قرار میگیره نسبت به مذکر ها دوبرابر حق آبه میبرند نسبت به مونث ها یک برابر حق آبه میبرند، خوب بحث این است که حالا این حق آبه ها اگر یک تقسیم بندی فرعی دیگه دارد ، آنهم دوباره فرزند دارد ،ظاهر این مطلب این است که نه فقط آن اوّلیه به همین نحو **لذکر مثل حظّ الانثیین** تقسیم میشود ،فرعی هم به همین نحو تقسیم میشود ،بنابر این این نکته را توجه بکنید ما میگیم آیه **یوصیکم الله فی اولادکم لذکر مثل حظ الانثیین** ،اصلیه را متعرض شده است ،فرعی به برکت اطلاق مقامی ،معنای اطلاق مقامی این است که اگر فرعی نحوه ارث بریش از شاخه بالا ترش متفاوت باشد از نحوهء ارث بری شاخه بالاتر از آن ریشهء اصلی آن باید ذکر بشود ،مفهوم اطلاق مقامی این است ،اولوا الارحام به زن ربطی ندارد ،معنای اولوا الارحام این است که خویشاوندهای نسبی است ، ببینید بحث این است که ، این نکته را توجه بفرمایید که اصل اولیه در نحوهء تقسیم است ،گاهی اوقات یک استثناهایی نحوه ء تقسیم دارد مثل مثلاً برادر و جدّ ،یک قانونی هست که این از جهت روایات متواتر ما وجود دارد که جدّ به منزله ء یکی از برادرها تلقی میشود ،آن نحوهء تقسیمش با نحوه تقسیم های متعارف فرق دارد ،نه بحث رتبه نیست بحث این است که فرض کنید که جدّ پدر پدر است ، مثلاً جدّ که پدر پدر است اینجور نیست که حساب کنیم این سهم اوّل به پدر میرسد از پدر به پدر میرسد ،نه آن جدّ به منزله یکی از برادران شمرده شده است یعنی شرعاً جدّ هم درجه برادر تلقی شده است،کأنّ ارثش ارث قائم مقامی نیست ما عرض کردیم یک وارث اصلی داریم یک وارث قائم مقامی داریم ،وارث های اصلی آن اشخاصی هستند که یا فرض بر باشند یا در طبقهء فرض برها باشند ، یک افرادی هستند جدّ وجدهّ شرعاً در درجهء فرض برها قرار گرفته اند که در درجه برادرها قرار گرفته اند ،این چیز شرعی است **، الجدّ یقاسم الاخوه** جدّ یک احکام خاصی دارد آن یک چیزی هست که اینها را شرعاً نازل منزلهء وارثان اصلی قرار دادند ،نظام تقسیم جدّ متفاوت هست با نظام اولوا الارحامی ،خیلی هم روایت دارد ومن اصلاً میخواهم این را به عنوان مؤیّدات همان مطلب بگم علت این که این انقدر روایت دارد وفرضهای واضح دیگر هیچ یک تقریباً روایت ندارد آنها طبق قاعده بودند ، ارث جدّ برادر چون خلاف قاعده است ،قاعده طبیعی ارث بری این نیست که جدّ و برادر مثل هم باشند ،قاعده طبیعی این هست که جدّ سهم باباش را ببرد و از طریق او به آن برسد ، ولی شرعاً این نازل منزله برادر قرار گرفته واین است که ، حالا روایت آن هم بخوانید زراره یک روایتی دارد میگه به من ایراد نگیرید که چرا اینجوری تقسیم شده است ، امام فرموده دیگه ،کأنّ این نحوه یک نحوه ای هست که خلاف ارتکاز عقلایی هست نباید اینجور میشده ولیکن تشریع وجود دارد این تشریع باعث این است ،به تعبیری که من میخواهم روی این تقریب بگم این است، ما میگفتیم بر اساس اطلاق مقامی است و این اطلاق مقامی شرطش این است که ،به شرطی که شارع بر خلاف این اطلاق مقامی تصریح نکرده باشد، اگر یک جایی برخلاف این اطلاق مقامی تصریح کرد این اطلاق مقامی شکل نمیگیرد،این که جدّ و برادرها اینها کنار هم قرار میگیرند این تصریح شارع است که نظام تقسیمش یک نظام جدیدی است ، این نظام متفاوت از آن نظامی هست که ابتدائاً فهمیده میشود ، این اطلاق مقامی موضوعش در صورتی که شارع تصریح بر خلا ف نکند ، این از باب تخصیص نیست از بابی که موضوع ندارد اطلاق مقامی،خوب این یک تقریب ،حالا یک تقریب سومی هست که آن تقریب را ما فردا بیشتر توضیحش میدهیم ،آن اینکه اصلاً ما بگیم نه اینکه آن وارثات را وارث تقدیری فرض میکنیم ،اصلاً حقیقتاً بگیم وارث است ، من این تقریب سوم را که میخواهم بگم نمیخواهم ازش دفاع آنچنانی بکنم ،میگم در مقام ثبوت قابل تصویر هست ( حالا بعد بحثش را عرض میکنم که آیا میشود این تقریب را ،چون این تقریب باید به گونه ای بیان بشود که با بعضی از مسلّمات باب ارث تنافی نداشته باشد ،حالا این یک نکاتی دارد که جلسه بعد ذکر میکنم.